روایت محسن رفیق‌دوست از تأمین تجهیزات در دفاع مقدس:

برای تشکیل سپاه مبنا را بر «اسلحه شرقی» گذاشتیم

زمانی که شما مسئول تدارکات بودید و تهیه تجهیزات جنگی بر عهده شما بود، از چه راه‌ها و کانال‌هایی وارد می‌شدید؟ به غیر از لیبی از چه کشورهای دیگری که احتمالا تا به حال اشاره‌ای به آن نشده است، سلاح تهیه می‌کردید.

در آن دعوا (جنگ) غرب بیشتر از شرق با ما مشکل داشت. اگرچه در ابتدای انقلاب و شروع جنگ، شرق و غرب با هم هماهنگ بودند؛ اما برای تشکیل سپاه و بنیه دفاعی سپاه، مبنا را بر «اسلحه شرقی» گذاشتیم. اولین باری که من سلاح تهیه کردم، دوهزار کلاشنیکف و ۵۰۰ آرپی‌چی۷ بود که از یاسر عرفات خریدیم. آنها خودشان می‌ساختند. من رفتم دیدم و {خریداری کردم.} بعد هم از سوریه و لیبی سلاح گرفتم و در نهایت به کره‌شمالی وصل شدم. بعد از کره‌شمالی به ترتیب به لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و بلوک شرق وصل شدم. یک مقدار هم از سلاح‌های غربی در اختیار ما بود. در واقع از اول تا آخر جنگ، تمام مهمات و کمبود سلاح‌های غربی را از یک کشور بی‌طرف خیلی پرمدعای اروپایی به نام سوئیس می‌خریدیم که آنها را با رقم‌های بالا به ما می‌فروخت. یعنی مهمات توپ‌های غربی را از آنها می‌خریدیم. نیروی دریایی ما زمان شاه و نیروی دریایی لیبی در زمان سنوسی، هر دو از جانب آمریکایی‌ها راه‌اندازی و تجهیز شده بود و تقریبا به یک اندازه و یک شکل بود؛ یعنی دقیقا مانند هم بود. تجهیزات ما تقریبا مستهلک شده بود. لیبی هم با آمدن قذافی، {سلاح‌های آمریکایی} را کامل کنار گذاشته بود و از روسیه ناو جدید آورده بود. ما خبر داشتیم ناوهای آنها{لیبی}، سالم‌تر است و قطعات یدکی هم دارد.حتی در یکی از سفرهایی که رفته بودم، دو کشتی قطعات موتور ناو آوردیم. آقای هاشمی‌رفسنجانی هم در مجلس متنی را در دفاع از من قرائت کرد.

تأمین سلاح از لیبی رایگان بود یا با تخفیف انجام می‌شد؟ به چه صورت بود؟

تقریبا اکثر آنها رایگان بود؛ به‌ویژه موشک‌ها. تا اینکه یک سفر رفتیم و قرار شد از آنها {سلاح را با پول} خریداری کنیم. در آن سفر من باز نسیه خرید کردم و{باقی} پرداخت پول آن را زمانی که من دیگر در سپاه نبودم {و نمی‌دانم} معامله کردند یا به چه صورت پرداخت کردند.

پس رایگان نبوده است؟

چیزی نزدیک به یک میلیارد دلار{سلاح} مجانی از لیبی وارد کردیم.

ما به ازای آن چه چیزی بود؟

هیچی.

مگر امکان دارد؟!

بله داشت؛ هیچ چیزی نبود! حتی ما این اواخر غیر از موشک‌هایی که از {لیبی} آوردیم، از کره{شمالی} هم سلاح آوردیم. درنهایت هم، خودمان{موشک} ساختیم که به قول {شهید} حسن مقدم، پدر موشکی ایران، نام گرفتم. ما یک موشک سام۶ که بیشتر تاکتیکی بود، می‌خواستیم که رفتیم و مذاکره کردیم و به تهران آوردیم؛ در مقابل این، یک سیستم هاگ به آنها دادیم فقط همین. بقیه را من هرچقدر که سفر رفتم {به لیبی} و آوردم، مجانی بود. موشک‌ها و لانچر مجانی بود. ما چیزی به لیبی ندادیم. در جاهایی من این را نوشته‌ام. بیشتر از ۸۰۰میلیون دلار ارزش کالاهایی بود که ما از لیبی مجانی آوردیم.

چرا قذافی این کار را کرد؟

او آینده را در اختیار انقلاب اسلامی می‌دانست و می‌خواست رابطه‌اش با انقلاب اسلامی خیلی خوب باشد.

تهیه سلاح از کشورهای دیگر چطور بود؟

از همه می‌خریدیم.

سلاح‌هایی که خریداری می‌کردید، مثلا از سوریه یا کره‌شمالی، اصالتا ساخت چه کشوری بودند؟

شرقی‌ها که خودشان می‌ساختند. {سلاح‌های} سوریه که برای روسیه بود، ولی کره‌شمالی خودش می‌ساخت.

پس ما در جنگ از سلاح‌های روسی استفاده کردیم؟

همه سلاح‌های ما در حقیقت یا روسی بوده است یا ساخت کشورهایی که زیر پرچم روس بودند. مثلا وقتی از بلغارستان خرید می‌کردیم، درست بود که کارخانه در کشور{بلغارستان} بود، ولی آن‌زمان فروپاشی {شوروی} اتفاق نیفتاده بود. ولی خود روس‌ها به ما سلاح نمی‌دادند.

پس به‌گونه‌ای دورزدن تحریم بوده است و احتمالا با قیمت بیشتری تهیه می‌کردید؟

خیر. چون کشورهای بلوک شرق به پول احتیاج داشتند. بله اگر که این جرئت را پیدا می‌کردند که از دست شوروی، مستقیم به ما سلاح می‌فروختند، گران‌تر می‌دادند. اما نه، اوایل به ما نمی‌فروختند. از تاریخی به بعد مسئله حل شد.

این همان بازار سیاهی است که آقای هاشمی می‌گفتند؟

خیر. ما اصلا وارد بازار سیاه نمی‌شدیم.

من فکر می‌کنم اولین بار است که شنیدم همه سلاح‌های ما روسی بود.

بله. مادر آن روسی بود. حتی از یک تاریخی نیاز ما بالا رفت. عراق هم از همه کشورها خرید می‌کرد. خیلی وقت‌ها که برای تهیه سلاح می‌رفتیم، می‌دیدم عراق قبل از ما، همه را خریده است. ما از یک تاریخی به چین کمونیست وصل شدیم. به آنها که وصل شدیم، در واقع به کُر وصل شدیم و تقریبا {دیگر مسیرهای تهیه سلاح} را قطع کردیم. چون این کشور، هم مستقیما به خود ما سلاح می‌فروخت و هم در حجم بالایی این کار انجام می‌شد. حتی سلاح‌های استراتژیک را هم به‌تدریج به ما فروخت؛ از جمله موشک ساحل به دریا و امثال آن. وقتی به چین وصل شدیم، روس‌ها هم، کم‌کم کوتاه آمدند و حاضر شدند به ما {سلاح} بفروشند.

از چه تاریخی؟

اواخر جنگ.

دقیقا چه سالی؟

بعد از سفر آقای هاشمی که بعد از جنگ بود؛ سال ۶۷.



عکس: رنوفه رستمی، شرق

مرجان توحیدی

محسن رفیق‌دوست یکی از مؤسسان سپاه و نیز وزیر سپاه در کابینه‌های میرحسین موسوی است. او از همان ابتدای تشکیل سپاه، مسئول بخش تدارکات بود؛ به همین دلیل هم‌زمان با آغاز جنگ، در قامت وزیر، مسئولیت تأمین تجهیزات جنگی برای سپاه را برعهده داشت. این در حالی است که در آن زمان، علاوه بر وزارت سپاه، وزارتخانه‌ای به نام «دفاع» هم وجود داشت که وزیر آن معمولا یک ارتشی بود و مسئولیت آن تأمین تجهیزات ارتش بود. ازاین‌رو محسن رفیق‌دوست در این گفت‌وگوی کوتاه که بخش دوم از گفت‌وگویش با روزنامه «شرق» با محور ربایش امام موسی صدر است، به فعالیت‌هایش در تأمین سلاح برای سپاه اشاره دارد. رفیق‌دوست ماجرای مک فارلین را داستانی پوچ می‌خواند یا می‌گوید اصلا در جریان نبوده است. طبیعی هم بوده؛ چراکه اساس رایزنی‌ها در ماجرای مک فارلین، تأمین تجهیزات آمریکایی بود که ارتش به آن نیاز داشت.

پس تقریبا دیگر جنگی نبود؟

بله . اعلام آمادگی کرده بودند، ولی ما دیگر نیازی نداشتیم. اصلا ما از سال ۶۵ دیگر نیاز نداشتیم تجهیزات خریداری کنیم، زیرا خودمان می‌ساختیم.

سال ۶۵ دقیقا همان مقطعی است که ماجرای مک فارلین لو می‌رود که اساس آن خرید تجهیزات است . اصلا گفته می‌شود که فاش‌شدن موضوع، باعث می‌شود ما دیگر نتوانیم این تجهیزات را تهیه کنیم.

همه اینها در واقع یک داستان پوچ و واهی است. من که وزیر سپاه بودم، زمانی از ماجرای مک فارلین خبردار شدم که هواپیما آمده بود و نشسته بود و ما رفتیم نزدیک به ۴۰۰، ۵۰۰ موشک تاو خراب تحویل گرفتیم. از جاهایی به بعد قضیه سیاسی بود که {انجام} نشد. من هم اصلا در جریان نبودم.

یعنی فکر می‌کنید تبادل موشک تاو و هاگ، پوششی سیاسی بوده است برای برقراری رابطه با آمریکا؟

احتمالا. بعد هم به فرمان امام به هم خورد.

اما قبل از آن هم ما از آنها، البته با واسطه، سلاح می‌گرفتیم.

خیر. هرکس که گفته، دروغ گفته است. من به عنوان وزیر سپاه می‌گویم هیچ کسی، هیچ چیزی برای ما نگرفت؛ نه آقای هاشمی و نه هیچ کسی از طرف ایشان.

در مورد ماجرای مک فارلین و سال‌های ۶۵ و ۶۶ نکته‌ای مغفول مانده است. این همان سال‌هایی است که آقای هاشمی در خاطرات خود به آن اشاره کرده و سردار علایی هم به این موضوع اشاره می‌کنند که ما از نظر تأمین مهمات و تجهیزات جنگی واقعا با مضیقه روبه‌رو شده بودیم. سال ۶۵ همان سالی است که ما عملیات‌های مهم کربلای ۴ و ۵ را داشتیم..

در این دو عملیات ذره‌ای کمبود مهمات و اسلحه نداشتیم؛ چون در داخل ساخته بودیم.

جالب است اما آقای علایی می‌گوید سال ۶۵...

بله. سال ۶۵ همه ارز کشور ۵.۶میلیارد دلار بود. از این میزان هم، یک میلیاردو ۶۰۰، ۷۰۰ دلار را به جنگ اختصاص دادند. همان باعث شد ما در آن سال، یک پروژه، یعنی ۱۰ میلیون گلوله و خمپاره را، در داخل کشور کلید بزنیم و در کربلای۵ آتشی را روی دشمن ریختیم که وقتی فرمانده تیپ ۶۵ عراق را اسیر کرده بودند، من خودم با او صحبت کردم گفتم چرا نجنگیدی، گفت این جهنمی که شما درست کردید، خدا هم ندارد.

پس چرا می‌گویند ما در آن سال کمبود مهمات داشتیم؟

بهترین سال ما از نظر مهمات، کربلای ۴ و ۵ بود؛ یعنی سال ۶۵، ۶۶.

اما پدافند هوایی ما آمریکایی بوده است. روسیه به ما سلاح نمی‌داد و عراق را تجهیز می‌کرد، هنوز اینکه سلاح‌های ما در جنگ روسی بوده، جای سؤال است. حتی به لحاظ فنی هم ممکن نمی‌شود...

من در ده‌ها سخنرانی گفتم که انقلاب اسلامی...

حتی یک خاطره هم از قول شما نقل شده که گفته‌اید امام به شما پیغام دادند که به سفیر روسیه تخفیف بدهید.

آن داستان دیگری است. انقلاب اسلامی وقتی پیروز شد، هم غرب حس کرد که رودست خورده و هم شرق! وقتی گورباچف روی کار آمد، سفیر آنها به ایران آمد و درخواست ملاقات کرد. من گفتم به وزارت سپاه بیاید؛ اما او گفت، من با وزیر سپاه ملاقات نمی‌کنم، با یک انقلابی ملاقات می‌کنم. گفتم خب، من اول از تو یک سؤال دارم؛ اگر آمریکا با ما دشمن است، حق دارد، این کشور بین ۳۵ تا ۶۰ هزار مستشار در ایران داشته، اصلا ایران حیاط خلوت او بوده است و وقتی او را از منطقه بیرون کردیم، به قول «کیم ایل سونگ» آبروی آمریکا را در دنیا بردیم. اما دشمنی شما را با خودمان نمی‌فهمیم. گفت اتفاقا دشمنی آمریکا با شما، یک دشمنی علنی است که خیلی عمق ندارد؛ اما دشمنی حکومت شوروی با شما ایدئولوژیک است. ما ۷۰ سال بود نیمی از دنیا را با شعار دین افیون توده‌هاست، گول زده بودیم. یک مرتبه زیر گوش ما انقلاب شد. به او گفتم ما اولین کاری که کردیم، این بود که آن راداری که آمریکایی‌ها در بهشهر ساخته بودند و تا انتهای خاک روسیه را رصد می‌کردند، خاموش کردیم. گفتم ما که این‌قدر به نفع شما کار کردیم. گفت نه، شما شعار ما را از ما گرفتید. دینی که از نظر ما افیون توده‌ها بود، حالا موتور محرک توده‌ها شده است. آن پیغامی که امام گفتند تخفیف بدهید{خفیفش کنید}، من گفتم شما این‌قدر به صدامی که آمریکایی است، کمک نکنید. ما ۷۰ میلیون بمب در کشور شما داریم که چاشنی آن در ایران است، کاری نکنید ما این چاشنی را آتش بزنیم. خودش گفت منظور مسلمانان آن‌طرف است؛ گفتم بله. بعد هم دیگر به هم ریخت و الان هم که با همدیگر دوست هستیم! (با خنده)

طبق روایت شما، چنین برداشت می‌شود که ما در جنگ ایران و عراق خیلی با هم مشکلی نداشتیم؟

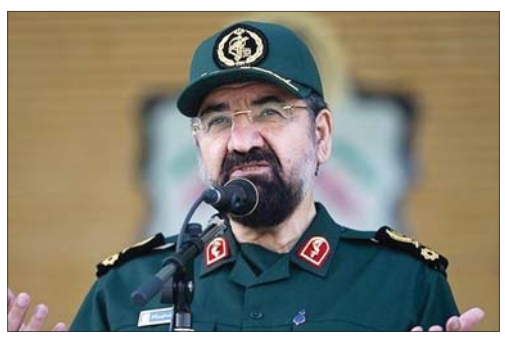
چرا. تا زمانی که آنها{شوروی} بودند، ما مشکل داشتیم. به هر حال به آنها{صدام} کمک می‌کردند اما به ما نه. توجه کنید ما از بلوک شرق می‌گرفتیم نه از شوروی.

ولی گفتید این اواخر از شوروی خرید کردیم؟

بله. ولی به جنگ نرسید. ارتش چند کامیون از یوگسلاوی سیم‌خاردار خریده بود که سه سال در آذربایجان نگه داشته شده بودند و بعد آنها را آزاد کردند. هفت سال پیش، از وزارت خارجه از من دعوت کردند در جلسه‌ای حضور پیدا کنم و درباره این مسئله که آیا ایران می‌تواند شریک استراتژیک داشته باشد، صحبت کنم. من آنجا صحبت کردم که در مقابل آمریکا ایران باید هنر داشته باشد تا بتواند یک همخوانی از چین، هند، پاکستان و روسیه ایجاد کند؛ یعنی بتواند یک حلال ضدآمریکایی را ساماندهی کند. ما نسبتا در این کار موفق بودیم.

نقدی بر خاطرات رضایی از ماجرای مک‌فارلین

نیمه خالی یک روایت



شرق، مهسا جزینی: محسن رضایی، فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس، در برنامه شنبه شب «تیتر امشب» صداوسیما، روایت خودش را از ماجرای مک‌فارلین ارائه کرد. روایتی متفاوت‌تر از روایاتی که پیش از این ارائه شده بود. او گفته است: «آمریکا احساس کرده بود ایران صدام را شکست می‌دهد ریگان بدون اطلاع صدام، مک‌فارلین را به ایران فرستاد و دنبال این بود از طریق مک‌فارلین، با ما رابطه برقرار کند. این اتفاقات از طریق مشاور مهندس موسوی، یعنی آقای کنگرلو انجام شد».رضایی در ادامه گفته است: «ما احساس کردیم در پشت صحنه جنگ، اتفاقاتی در جریان است. یکی از دوستان خود را وارد ماجرا کردیم و جریان را به دست گرفتیم. من فهرستی از توپ‌های ۱۵۵ میلی‌متری دادم که خیلی به آن احتیاج داشتیم. وقتی آمریکایی‌ها این فهرست را دیدند، زیر بار نرفتند و با یک کیک، یک انجیل و تعدادی قطعات ضدهوایی، مک‌فارلین به فرودگاه آمد؛ اما چون خواسته‌های ما را نیاورده بودند، حضرت امام به آقای هاشمی گفت اینها را افشا کنید و بگویید برگردند. این مسئله نشان‌داد آنها نمی‌خواهند امکانات جنگی به ما بدهند».

بی‌اطلاعی برادر محسن

محسن رضایی درست می‌گوید. البته فقط درباره یک بخش از ماجرا. سر پل‌های اولیه ارتباط‌گیری، منوچهر قربانی‌فر، دلال اسلحه که منجر به جریان نبود. کنگرلو مستقیم با هاشمی‌رفسنجانی، به عنوان فرمانده سیاسی جنگ، مرتبط بود و همه چیز از کانال او می‌گذشت. در این مرحله، اما نه در خاطرات هاشمی و نه در سایر اسناد، ردپای چندانی از محسن رضایی نیست. احتمالا محسن رضای خیلی دیر و نزدیک به آمدن هیأت آمریکایی است که در جریان قرار می‌گیرد. یا اگر هم مطلع بوده، چندان در جریان جزئیات مذاکرات قرار نداشته است. بر اساس مذاکراتی که در راستای تأمین سلاح‌های لازم جنگ از سوی افراد مختلف از یکی، دو سال قبل در جریان بود، پای منوچهر قربانی‌فر، یک دلال اسلحه، به ماجرا باز شده بود. او با یک پیشنهاد مبادله آمده بود. منوچهر قربانی‌فر بعد از مذاکره با مقامات آمریکایی، به کنگرلو گفته بود در ازای فروش تسلیحاتی که ایران نیاز دارد و فقط در اختیار شرکت‌های آمریکایی است، ایران کمک کند تا گروگان‌های آمریکایی در لبنان آزاد شوند. ایران به موشک تاو و وسایل یدکی سیستم ضد هوایی موشک هاگ نیاز داشت. مذاکرات آغاز شد و چند نفر از گروگان‌ها هم آزاد شدند و به گفته محسن کنگرلو، تا پیش از افشای سفر هیأت آمریکایی، ایران توانست فقط در یک مرحله، ۱۱هزار قطعه هاگ دریافت و بیش از ۷۰ پرواز دشمن را در عملیات فاو نابود کند.

ادامه در صفحه ۷

آینه

نهی احمدی‌نژاد
چالش تئوریک تجدید نظرطلبان

عبدالله گنجی: اکنون اسلامیت نظام به کمک مصلحت و سلامت جمهوریت آمده است و مدعیان جمهوری‌خواهی را زمینگیر کرده است. امروز منافع اصلاح‌طلبان همسو با مصلحت نظام شده است، اما عملکرد گذشته اجازه اظهارنظر را از آنان گرفته است و می‌خواهند با سکوت و محافظه‌کاری از کنار آن بگذرند. آنان یا باید دوباره به چالش فکری و تئوریک با نظام روی آورند که جمهوریت در خطر است یا از گذشته خود توبه کنند و اشتباهات را فریاد بزنند و نقش بی‌بدیل رهبری دینی در هدایت کلی نظام را بستایند. اکنون آنان در تاریکی پایکوبی می‌کنند و صدا خفه‌کن در مراسم جشن خود نصب کرده‌اند تا صدایشان به همسایگان نرسد. در صورتی که اگر مدعی امام و مردم‌سالاری دینی هستند باید قدرشناسی خود را بازگو کنند. آنان از کابوس احمدی‌نژاد گذشته‌اند، اما رویه این کار در گذشته مورد اعتراض آنها بوده است. هنوز مردم واکنش اصلاح‌طلبان به نامه مقام معظم رهبری به رئیس مجلس ششم درباره اصلاح قانون مطبوعات را به خاطر دارند. هنوز عربده‌کشی مشارکتی‌ها در مجلس در اعتراض به آن نامه را به یاد داریم. چرا اکنون اعتراض نمی‌کنند؟ و چرا تأیید نمی‌کنند؟ از نمایندگان اصولگرای مجلس قبلی حدود ۲۰ نفر از جمله حجت‌الاسلام رسایی، ردصلاحیت شدند، چرا مدعیان دموکراسی‌خواهی و انتخابات آزاد به آن اعتراض نکردند؟ چرا صدها مقاله و کتابی که در رد نظارت استصوابی نوشته‌اند را تجدید چاپ نمی‌کنند؟ آنان نه جسارت اعتراف به اشتباهات گذشته را دارند و نه جسارت تأکید مجدد بر مدعای گذشته را. اما خوشحالیم که به قدر و قیمت رهبری پی برده‌اند و می‌دانند در مصلحت انقلاب و نظام ملاحظه هیچ کس نخواهد شد. اکنون یاد گرفته‌اند که در مواجهه با تدابیر نظام پشت مردم مخفی نشوند و حاکمیت دوگانه را طرح نکنند. آموخته‌اند که باید در مدعیات خود تجدیدنظر کنند که اگر اصلاح نکنند، اسناد به جای مانده همچنان سند واگرایی آن خواهد بود و در تاریخ انقلاب ثبت و درج است. نهی احمدی‌نژاد هم فرصت ذی‌قیمتی برای خود اوست و هم فرصت بازاندیشی و واقع‌گرایی برای دوزیستان سیاست‌ورز و روشنفکر. منتظریم تا نحوه استفاده هر دو از این فرصت را ببینیم.

اعتماد

مبارزه با فساد، امکان یا امتناع؟

واقعیت این است که مبارزه با فساد در ایران بازیچه رقابت سیاسی شده است و چندان غیرطبیعی نیست که با ادامه این وضع به نتیجه نرسد. ولی یک امید هست. نحوه برخورد اصلاح‌طلبان و دولت با مسئله فیش‌های حقوقی اعتبار اخلاقی و سیاسی آنان را آن‌چنان بالا برد که جناح اصولگرا را دیر یا زود مجبور کند برای پرهیز از اتهام بحقی که در جریان واگذاری املاک مردم به آنان وارد شده است سیاست برخورد خود را با مسئله فساد تغییر دهند. این سیاست غیرصادقانه و ریاکارانه در جریان انتخابات و نزد افکار عمومی به‌شدت علیه آنان به کار خواهد رفت و حتی بسیاری از نیروهای صادق آنان نیز از این سانسور و سوگیری به نفع فساد منتسب به جناح خودشان ناراحت هستند لذا انتظار می‌رود که در خط‌مشی خود تغییر دهند.

کیهان

رمز انتقال از قدرت منطقه‌ای به قدرت بین‌المللی

سعدالله زارعی: امروز بعضی از دستگاه‌های جمهوری اسلامی، راه‌حل کشور برای برون‌رفت از بعضی از مشکلات را در انطباق ایران با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانند و این را با زبان‌های مختلف بیان می‌کنند و البته نوعا هم ندانسته یا دانسته، تعریفی از مصادیقی ارائه می‌کنند که واقعیت در نقطه مقابل آن قرار دارد. به‌عنوان مثال آقای هاشمی‌رفسنجانی راز پیشرفت آلمان و ژاپن را در دست شستن از قدرت دفاعی و پیوند زدن نیازهای دفاعی خود به آمریکا معرفی و در لفافه توصیه کرد که ما هم برای تبدیل شدن به قدرت باید قدرت خود را در قاعده قدرت آمریکا تعریف نماییم. در واقع در گزاره‌های آقای هاشمی، واقعیت‌ها نادیده گرفته شدند یعنی درحالی‌که اگر همین الان ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها را آزاد می‌گذاشتند بلافاصله به سمت دستیابی به یک ارتش مقتدر مجهز رفته و ضعف نظامی- امنیتی خود را جبران می‌کردند، وانمود شد که این دو کشور داوطلبانه از توان نظامی چشم پوشیدند تا به توان اقتصادی و «مقبولیت بین‌المللی» رسیدند.

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

کیهان

- درخواست بوش، مخالفت آیت‌الله سیستانی؛ رئیس‌جمهور آمریکا ۳ بار تقاضای ملاقات کرد
- مدیرکل کمیته امداد: ۵ هزار خانواده نیازمند عراقی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی هستند
- وزیر مسکن: فروش زمین در ۲۷ سال گذشته اشتباه بود
- وزیر دفاع: اولویت ما بهره‌گیری از علوم و فنون روز در تولید تجهیزات نظامی است
- با اعتراف به وجود اختلاف در جبهه غرب؛ سارکوزی: درباره تصویب قطع‌نامه جدید علیه ایران خوشبین نیستیم
- نوری مالکی: ایرانی دستگیرشده میهمان ما بود
- برژینسکی: آمریکا در صورت جنگ با ایران زمین‌گیر خواهد شد
- رئیس‌جمهور فرانسه: درباره تصویب قطع‌نامه جدید علیه ایران خوشبین نیستیم

اعتماد

- رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس: درخواست بعدی آمریکا جمع‌آوری موشک‌های ایران است
- فرمانده سپاه: با همسایگانی که پایگاه آمریکا شوند مقابله‌به‌مثل می‌کنیم
- اقدام دوباره پاریس علیه تهران: سارکوزی به شرکت‌ها و بانک‌های فرانسوی دستور قطع ارتباط با ایران را داد
- وزیر مسکن: شرایط صاحبخانه‌شدن در شهرهای بزرگ بسیار سخت است، مردم از دولت انتظار نداشته باشند
- وزارت ارشاد: صدور مجوز موسیقی در نهادهای دیگر ممنوع است
- رئیس خانه احزاب: مهم‌ترین بداخلاقی انتخاباتی اعلام‌نکردن دلیل ردصلاحیت است

ایران

- متکی: مواد مخدر، امنیت افغانستان و منطقه را به خطر انداخته است
- با تصویب مجلس، وظایف حاکمیتی از شرکت‌های دولتی گرفته می‌شود
- احمدی‌نژاد در جمع ایرانیان مقیم آمریکا: مخالفان در مقابل ملت بزرگ ایران کم آورده‌اند
- مسئول دیپلماسی اتحادیه اروپا: درخواست فرانسه برای تشدید تحریم ایران کم‌اهمیت است
- فرمانده کل سپاه: به صلاح دشمن است که از تهدید نظامی دست بردارد
- وزیر فرهنگ: تعطیلی مطبوعات در دوران حاکمیت دولت نهم کمتر بوده است
- حدادعادل: انقلاب اسلامی ابرراهبرد عصر حاضر است

آفتاب

- عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: با دادن آمارهای تازه مشکلات مردم را مخفی نکنیم
- احمد توکلی: شعار «عدم کفایت احمدی‌نژاد» بی‌پایه است
- نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰: مدیریت پروژه سهمیه‌بندی بنزین فاقد برنامه‌ریزی دقیق است
- نخست‌وزیر عراق: دستگیری اخیر تبعه ایران در عراق غیرقابل‌پذیرش است
- سیداحمد خاتمی: احمدی‌نژاد پیام ملت ایران را به جهانیان خواهد رساند

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد در جمع هموطنان در نیویورک: ایرانیان داغ ننگ بر پیشانی تضیع‌کنندگان حقوقشان چسبانده‌اند
- سخنگوی وزارت خارجه: ایران هیچ‌گاه در پی مسابقه تسلیحاتی در منطقه نبوده است
- حدادعادل: پرسیدن قیمت اجناس از مدیران عالیرتبه به معنای نشناختن وظایف آنهاست
- با تصویب هیأت دولت استعمال دخانیات در اماکن عمومی ممنوع شد

اطلاعات

- احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا: راه‌حل ما برای حل مسئله فلسطین همه‌پرسی آزاد است
- فناوری غنی‌سازی اورانیوم که در دست ایران است تنها برای غنی‌سازی زیر ۵ درصد می‌تواند استفاده شود
- آیا بد نیست که ادای احترام به خانواده‌های قربانیان تراژدی ۱۱ سپتامبر جلوگیری کنند
- دولت آمریکا باید حقوق ملت ایران را به رسمیت بشناسد و به تمامیت کشورها احترام بگذارد

قابل توجه مودیان محترم مالیات بر ارزش افزوده:
مهلت ارائه الکترونیکی اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره تابستان ۹۵ از طریق سامانه www.evat.ir حداکثر تا ۱۵ مهرماه سالجاری می باشد.
۱۷۶۳ ۱۵۲۶ مرکز ارتباط مردمی
روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور